



دایره زندگی، شما را به درون خود می‌رساند. در این درس ما بصورت عمیق‌تر به معنای درونی شما و رابطه بین درون و بیرون شما خواهیم پرداخت..

من بیرونی

"منظور از من بیرونی شما مجموع تمام تجربیات، برداشت‌ها، دانش و پیشرفت‌های شما در طول دوران تکامل، کودکی، تحصیل و زندگی اجتماعی شماست."

هر چیزی که قبلاً در طول زندگی شما ذخیره شده است، شما را به گونه‌ای که حالا هستید شکل می‌دهد و در بیرون بدنتان، خود را نشان می‌دهد.

هر چیزی که قبلاً تجربه کرده‌اید تعیین می‌کند که شما در زندگی چگونه هستید و چه انتخاب‌هایی می‌کنید، اما یک من درونی نیز وجود دارد.

من (هستم) درونی

"منظور ما از **من درونی** شما، هسته اصلی این حقیقت است که شما واقعاً چه کسی هستید و خداوند اراده نموده است شما چگونه باشید."

پولس در افسسیان ۴: ۲۴ این را «**طبیعت نو**» می‌نامد. این توسط ارتباط بین روح خدا و روح شما هدایت می‌شود. در نتیجه، هر قدر **من (هستم) درونی** تان رشد می‌کند، شما همان اندازه بیشتر و بیشتر همان شخصی می‌شوید که خدا از شما خواهان است.

من بیرونی شما توسط نیروی روان شما هدایت می‌شود، یعنی اراده، احساسات و افکار شما. **من بیرونی** شما بر اساس باورهای زندگی می‌کند که در اعماق درونتان به آنها اعتقاد دارید. این باورها ناشی از نیازها و احساساتی است که از تجربیات گذشته شما شکل گرفته‌اند.

من درونی شما همان چیزی است که خداوند به دنبال آن است: شخصی را که او با هدفی خلق کرده است. پدر می‌خواهد با این من درونی ارتباط برقرار کند و دیدگاه خود را نسبت به زندگی و شرایط اطراف تان ارائه دهد.

"پدر می‌خواهد که ما نیز جهان را همانطور که او می‌بیند، ببینیم."

موسی پیامبر

موسی آموخته بود که در قصر فرعون یک رهبر مقتدر باشد.

من (هستم) بیرونی موسی مدت زیادی طول کشید تا شکسته شود.

من درونی او هنوز بیدار نشده بود. این واقعه در رویداد بوتۀ سوزان اتفاق افتاد. خدا در آنجا به او نشان داد که او به چه هدفی در روی زمین است.

موسی در مقام خدایی قدم برداشت. خدا به او نشان داد که او کیست، دستوری که به او داده شد کدام است، استعدادهایش چیست و باید چه کار کند.

من درونش با من بیرونش یکی شد.

پولس رسول

پولس که یک دانشمند باتجربه‌ای کتاب مقدس بود، به آزار و اذیت فرقه جدید پیروان عیسی (به عقیده او) سوق داده شد.

من بیرونی او در غیرت و تعصب او نمایان شد.

پولس در راه دمشق صدایی شنید و نور درخشانی را دید. در سه روز نابینایی، خدا چشمان پولس را باز کرد.

تا بتواند دوباره ببیند.

پولس به دنیای اطرافش، به گونه ای کاملاً متفاوتی نگاه کرد.

من درونی او نیز از طریق روح خدا شروع به «دیدن» کرد.

من هستم

خدا شما را برای هدفی آفریده است. خدا به دنبال راهی برای ورود به ذهن شماست تا دیدگاه شما را نسبت به خود و جهان تغییر دهد. آنچه با چشمان طبیعی خود می بینید همیشه واقعیت خدا نیست. او می خواهد واقعیت خود را به شما نشان دهد، و این واقعیت بسیار فراتر از آن چیزی است که چشمان طبیعی ما بتوانند ببینند و درک کنند.

تمرین

ما اکنون برای مطالعه من درونی و بیرونی شما وقت می گذاریم. شاید قبلاً چیزهای زیادی در مورد این موضوع شنیده باشید، یا شاید این مفهوم برای شما کاملاً جدید باشد. خدا می خواهد حقیقت خود را به شما نشان دهد.

- آیا قبلاً آموخته بودید که با چشمان خدا به خودتان نگاه کنید؟

برای توضیحی از **من «هستم» بیرونی** خود وقت بگذارید. این چگونه پدید آمد؟ ویژگی های من بیرونی شما چیست؟

آیا از طریق این درس دیده اید که شما بیشتر از من بیرونی خود زندگی می کنید که بوسیله تجارب قبلی تان هدایت میشود؟

یا آیا می توانید با چشمان خدا به خود نگاه کنید و ببینید که **درون واقعی** شما در واقع کیست؟

- **من درونی** خود را (اگر از قبل در موردش می دانید) توصیف کنید. خدا تو را چگونه اراده نموده است که تو همانگونه باشی؟ چه زمانی و چگونه به من درون خود پی بردید؟

- از طریق این درس اکتشافاتی را که در مورد خود انجام داده اید، با یکدیگر به اشتراک بگذارید. آیا چیزی هست که بخواهید درباره این **من (هستم) درونی** یاد بگیرید که خدا می بیند؟

اصل دوم

خدا شما را برای هدفی آفریده است. شما برای یک دلیل خاصی اینجا هستید. خدا به دنبال راهی برای ورود به ذهن شماست تا دیدگاه شما را نسبت به خود و جهان تغییر دهد. آنچه با چشمان طبیعی خود می بینید همیشه واقعیت خدا نیست. او می خواهد واقعیت خود را به شما نشان دهد. این واقعیت بسیار فراتر از آن چیزی است که چشمان طبیعی ما می توانند ببینند و درک کنند.

